

ENGLISH BREAK

CONTENTS

The Concessionaire;

The Cultural and Social Department of
Alzahra University

.A Note From the Editor - 2

Publication Supervisor;

Phd. Tajik

Managing Director and Editor in-chief;

Zahra Kheradpishe

مصاحبه با سرکار خانم دکتر هوروش - ۳
گزارش نخستین همایش نشانه شناسی فرهنگ - ۵

Editor;

Ghazaleh Gol-Ari

Page Designer;

Mina Jozaghian

Front Page photo;

Roya Hamrahan

.An Excursion in Grand Bazaar - 7

. News: Industry and University: A Tale
of Two Continents - 9

. Iran and Sustainable Tourism: Obstacles
and Chances - 10

. An Overview of Platonic Love - 11

Writing Board;

Zahra Kheradpishe, Kowsar Ghashghavi,
Maryam Siahmansouri, Najieh Abedinpour,
Kimia Entezami, Roya Aini and Marjan
Alavi (Ershad University of Damavand),
Mohaddeseh Cheragh-Ali

. Movie Review: Inception - 15

. Book Review: Business@the Speed of
Thought - 17

Publisher;

Alzahra University

Lithography;

طه

. Poem: A Bitter Break up at Five in the
Morning - 18

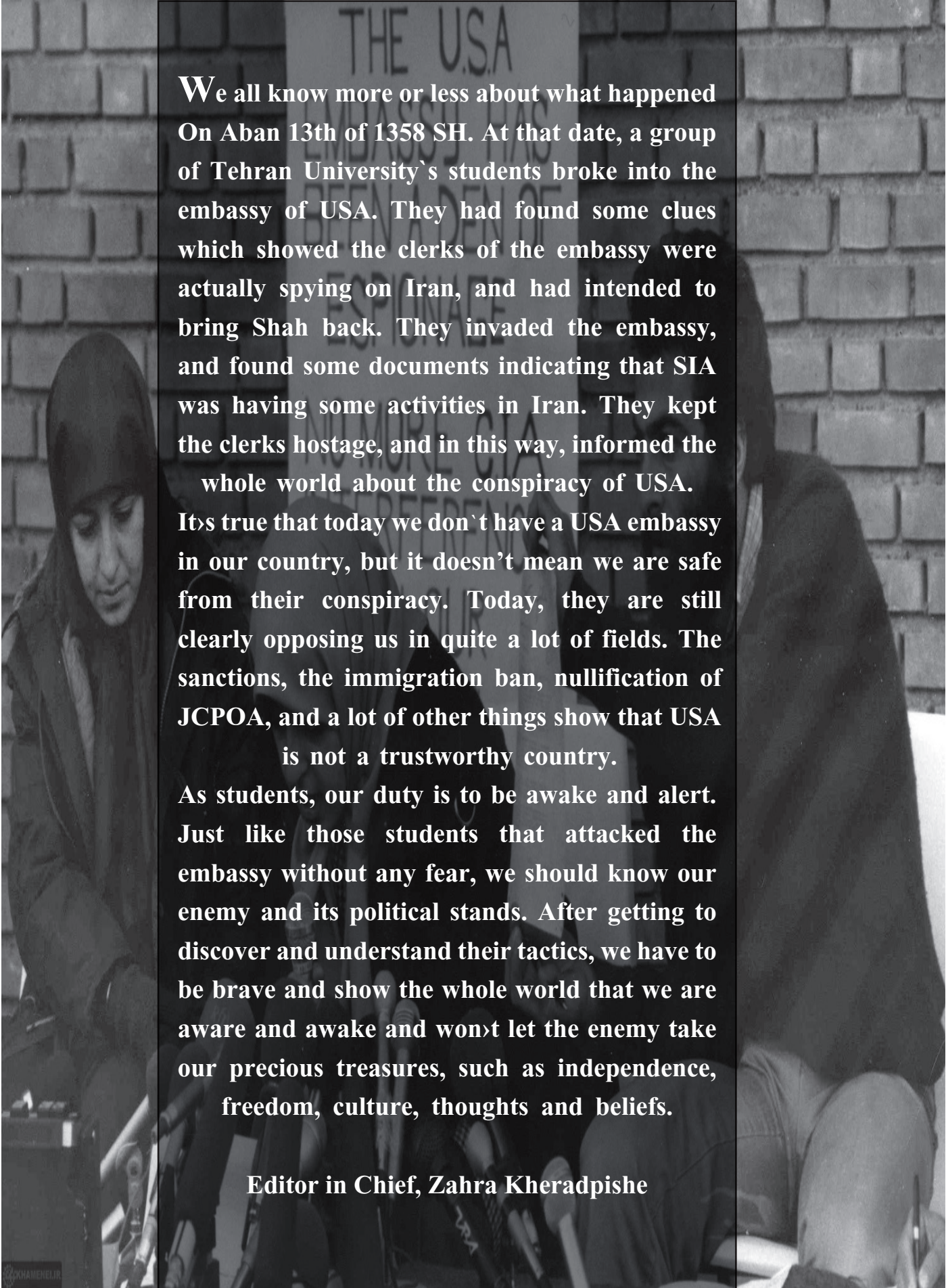
. Food Recipe: Banbury Cakes - 19

Address;

Publication Department, Alzahra University,
Dehe Vanak St., Vanak Square, Tehran, Iran

Email Address;

englishbreak۹۴@gmail.com



We all know more or less about what happened On Aban 13th of 1358 SH. At that date, a group of Tehran University's students broke into the embassy of USA. They had found some clues which showed the clerks of the embassy were actually spying on Iran, and had intended to bring Shah back. They invaded the embassy, and found some documents indicating that SIA was having some activities in Iran. They kept the clerks hostage, and in this way, informed the whole world about the conspiracy of USA.

It's true that today we don't have a USA embassy in our country, but it doesn't mean we are safe from their conspiracy. Today, they are still clearly opposing us in quite a lot of fields. The sanctions, the immigration ban, nullification of JCPOA, and a lot of other things show that USA is not a trustworthy country.

As students, our duty is to be awake and alert. Just like those students that attacked the embassy without any fear, we should know our enemy and its political stands. After getting to discover and understand their tactics, we have to be brave and show the whole world that we are aware and awake and won't let the enemy take our precious treasures, such as independence, freedom, culture, thoughts and beliefs.

Editor in Chief, Zahra Kheradpishe

اطلاعات جامع پیرامون زبان انگلیسی

مصاحبه کننده: کوثر قشقاوی

مصاحبه شونده: سرکار خانم دکتر مونا هوروش

۱. به نظر شما یادگیری زبان در عصر

حاضر چقدر ضرورت دارد؟

فکر میکنم امروزه هیچ ابهامی در ضرورت یادگیری زبان وجود ندارد به دو دلیل: از یک طرف ما در دهکده ی جهانی زندگی میکنیم که البته این موضوع در دهه های قبل جدیت بیشتری داشت. به این معنی که عملا در تمام لحظات تمامی آدم ها با تمامی دنیا در ارتباط هستند. بهمین ترتیب این نیاز حس می شود که ما قادر باشیم مطالب دست اول دنیا و نه لزوما انتخاب شده توسط دیگران را مطالعه کنیم. مخصوصا برای دانشجویها که نیاز دارند بتوانند منابع اصلی را دریابند. علم به سرعت در حال پیشرفت است و بخش عظیمی از آن در خارج از کشور در حال اتفاق است، بنابراین هر کس برای به روز بودن و بدست آوردن دانش لازم است بتواند با بکارگیری زبان از منابع خارجی استفاده کند. از طرف دیگر برای ما این موضوع اهمیت دارد که آن چیزهایی که متعلق به خودمان است را بتوانیم به جهان نشان دهیم و این دقیقا برعکس

«مهمترین نکته غرق شدن در زبان است. اینکه صرفا روزی یک ساعت یک کتاب آموزشی را مطالعه کنیم جواب گو نیست. فیلم انگلیسی ببینیم، کارتون انگلیسی ببینیم و ...»

موضوع دهکده ی جهانی است. اینکه ما قادر باشیم هنر، ادبیات، فرهنگ، دین و به طور کلی داشته هایمان را به شکلی زیبا به جهان عرضه کنیم و درست شناخته شویم نه آنکه شناخته شدن ما بر اساس اطلاعاتی که در رسانه ها درباره مان میگویند شکل بگیرد. ملزوم این کار، دانش جامع (کارکردهای مختلف، نکات فرهنگی، دستورات زبانی و غیره) درباره ی زبان است. هدف ما از نوشتن چیست؟ هدف این است که دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم و جذب یا قانع شان کنیم. پس باید بتوانیم مطالب مان را با توجه به فرهنگ جامعه ی خواننده تهیه کنیم.

۲. پیشنهاد شما برای کسی که بخواهد

بدون رفتن به کلاس های آموزشی،

زبان خود را تقویت کند چیست؟

البته من همیشه کلاس را توصیه میکنم. به دلیل اینکه متأسفانه در مدارس ما (به جز موارد خاص) آنطور که باید روی این قسمت کار نمیشود. اگر در مدرسه خوب آموزش داده میشد هیچ نیازی به کلاس های اضافی نبود. همانطور که در بسیاری از مدارس شرق و غرب دنیا موفق به انجام این کار شده اند. اما گذشته از این، Self-study (خودآموزی) می تواند بسیار مؤثر باشد. افراد زیادی را دیده ام که توانسته اند با مطالعات شخصی، زبان خود را تقویت کنند. صرف نظر از مطلب، approach (رویکرد) یا کتابی که انتخاب می شود، مهمترین نکته غرق شدن در زبان است. اینکه صرفا روزی یک ساعت یک کتاب آموزشی را مطالعه کنیم جواب گو نیست.



فیلم انگلیسی ببینیم، کارتون انگلیسی ببینیم، آهنگ انگلیسی گوش کنیم، اخبار انگلیسی ببینیم (مثل pressTV) حتی اگر متوجه نشویم ولی چندین بار ببینیم و گوش کنیم تا کم کم یکسری از ساختارها برایمان جا بیفتند و حتی طوطی وار آنها را حفظ کنیم. بعدها اگر نکته‌ی گرامری یا ساختاری یا لغت خاصی را دیدید، بیاد می‌آورید که این همان چیز است که قبلاً حفظ شده‌اید؛ دقیقاً مثل کودکی که زبان مادری اش را یاد می‌گیرد، اول یکسری ساختارها را می‌شنود، همانها را تکرار میکند و بعدها کم کم با معنای آنها آشنا می‌شود. فیلم‌ها یا کتاب‌های مورد علاقه خود را پیدا کنیم تا از درگیر بودن با آنها لذت ببریم. بطور کلی سعی کنیم با مدام درگیر بودن با زبان و لذت بخش کردن تجربه‌ی یادگیری آن، زبان خود را تقویت کنیم.

۳. برای فارغ التحصیلان رشته‌ی زبان (آموزش، ادبیات و ...) چه موقعیت‌های شغلی وجود دارد؟

بدیهی‌ترین شغل، آموزش زبان در موسسات است. مورد دیگر، تأسیس آموزشگاه زبان است که البته تعداد کمتری سراغ آن می‌روند اما بودند کسانی که با خلاقیت خاص شان، آموزشگاه‌های کوچکی تأسیس کردند و بسیار هم موفق بودند. مورد دیگر کلاس خصوصی است که البته قبل از آن باید شناخته شوید (از طریق آموزش در مؤسسات یا مدرسه) و متدهای آموزش را بشناسید. پردرآمدترین بین اینها کلاس کنکور است. تولید جزوات و کتاب‌های کنکور زبان برای پایه‌های کارشناسی، ارشد و دکتری رشته‌های مختلف میتواند بسیار درآمدزا باشد البته مشکلی که دارد خصوصاً برای دانشجویان ما که ذهن شان به مطالب آکادمیک عادت کرده، این است که شاید این حیطه برایشان حوصله سر بر و خسته کننده باشد. مورد دیگر، مباحث استارت آپی (شروع کارهای نوین) است. دانشجویان ما همین الان هم می‌توانند وارد فاز وارد کردن اطلاعات در فضای مجازی شوند. به طور مثال، میتوانید مطالبی درباره‌ی آشپزی در سایت‌های بین‌المللی جمع‌آوری کنید و با درست کردن وبلاگ یا صفحه‌ای در اینستاگرام یا کانال‌های تلگرام یا هر جای دیگر توضیحاتی در این مورد بنویسید. تولید محتوا درباره هنر، فرهنگ، ادبیات یا حتی آموزش زبان در اینترنت. در وهله‌ی اول شاید موقعیت شغلی خاصی به نظرتان نیاید اما بعد از مدتی با معروف شدن و افزوده شده به تعداد فالوورها شناخته می‌شوید و آنجاست که شرکت‌های تجارتي مختلف به سراغ شما می‌آیند و به شما پول میدهند تا برایشان تبلیغات کنید. بعضی مؤسسات نیز این موقعیت را به شما می‌دهند تا کلاس‌های خود را به صورت مجازی برقرار کنید، و شما با داشتن برنامه‌ای مشخص می‌توانید مشغول به کار شوید. مورد دیگر برای کسانی که خلاقیت و دانش لازم را دارند، نویسندگی است. به طور کلی هر چیزی که مربوط به ادبیات و ترجمه باشد: مجلات، روزنامه‌ها، صدا و سیما، ترجمه کتاب‌های مختلف، سفارت‌های خارجی و سازمان امور بین‌الملل.

نخستین همایش نشانه‌شناسی فرهنگ و هنر و ادبیات

نوشته شده توسط مریم سیاه منصور

برگزار کننده: دانشگاه شهید بهشتی

مکان برگزاری: تهران - مرکز

همایش های بین المللی دانشگاه شهید بهشتی

این همایش در تاریخ ۲۹ و ۳۰ مهرماه ۱۳۹۶ برگزار شد. محورهای اصلی همایش شامل موارد زیر بودند:

۱) رویکردهای نشانه شناختی

۲) تاریخچه نشانه شناسی

۳) نشانه شناسی فرهنگ

۴) نشانه شناسی و متون ادبی

۵) نشانه شناسی و هنرهای تجسمی

۶) نشانه شناسی و معماری و شهرسازی

۷) نشانه شناسی و آگهی های تبلیغاتی

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی

۸) نشانه شناسی فیلم و سینما

از طرف دانشگاه الزهرا گروه زبان

و ادبیات انگلیسی، مقطع کارشناسی

ارشد، خانمها: مریم سیاه منصور،

محیا حاجی غلام، انیس کلانتری، رعنا

حاجی محمدی، زینب نیکوکار، بهاره

یوسفی، مینا کردمیر و سمیرا بزم آرا در

میان حاضرین در این همایش بودند.

گزارشی که در پی می آید به قلم خانم

مریم سیاه منصور است:

تجربه نخستین همایش

نشانه‌شناسی فرهنگ و هنر و

ادبیات

عبارت گزارش نویسی مرا به یاد

آزمایشگاه درس علوم در سال سوم

راهنمایی می اندازد. خوب یادم هست

که از همان دوران هم این مقوله‌ی

گزارش نویسی در مخیله‌ی من نوجوان

نمی گنجید و همیشه از انجام آن طفره

می رفتم. اکنون پس از گذشت چندین

سال هنوز هم تقریباً همان حس را دارم

ولی با این تفاوت که حال جوانم و

جوای نام در فضای علمی و ادبی و

این گونه است که برای ادامه‌ی حیات

نامم به پدیده‌ی ثبت گزارش نیازمندم.

کنفرانس نشانه‌شناسی در دو روز پایانی

مهرماه در سالن همایش های دانشگاه

شهید بهشتی برگزار شد. البته این تنها

شرحی از روز دوم همایش است؛

اولین کنفرانس با موضوع «خوانش

نشانه‌شناختی، رهیافتی برای مطالعه‌ی

صنایع دستی به مثابه‌ی متون هنری»

بر گزار شد. نویسنده‌ی این مقاله بر

آن بود اهمیت نشانه‌های موجود در

صنایع دستی را نشان دهد و اینکه همه‌ی

صنایع دستی پتانسیل این را دارند که

به عنوان یک متن ادبی در نظر گرفته

شوند تا لایه‌های بافتی عمیق آن‌ها

مطالعه شود.

نشست بعدی با موضوع نشانه‌شناسی

رقص های فولکلور ایران بسیار جذاب

و چشم نواز به نظر می رسید هر چند که

تحلیل بیشتر در قالب نمادشناسی بود تا

نشانه‌شناسی و اینکه منابع خیلی معتبری

در مقاله بکار نرفته بود. ولی در مجموع

موضوع فرهنگی رقص قاسم آبادی

و تحلیل نمادهای آن که شبیه به یک

نمایش کاشت و داشت و برداشت برنج

بود جالب توجه بود. مخصوصاً اینکه،

این یک فعالیت کاملاً زنانه به حساب

می آید.

کنفرانس بعدی با محور «خوانش

نشانه‌ای ابره‌های روزمره، مطالعه فرآیند

نشانه‌شناسی تعامل و چالش بین مبل و

فرش» تشکیل شد و نکته‌ی قابل توجه و

شنیدنی در این مبحث، سخنرانی کوتاه

دکتر شعیری پیرو ارائه‌ی دانشجوی شان

بود. می توان گفت نشانه‌شناسی به معنای

واقعی کلمه به درستی در این نشست

بکار گرفته شده بود. تقابل دو گانه‌ی

بین مبل و فرش مطرح شد. اینکه فرش

به عنوان ابره در طول زمان دچار کم

شدن سبب شده است تا فضای بیشتری

به مبل داده شود ولی در عین حال هنوز

هم در مرکز توجه قرار دارد چراکه

An excursion in Grand Bazaar

By Zahra Kheradpishe

دهم و کم کم به گروهشان نزدیک تر می شوم.

سر صحبت باز کردن با گردشگران خارجی از چیزی که قبلا فکر می کردم راحت تر است. با سلام و احوال پرسی ساده شروع می کنم. نگاه خانم مسن مدام به دنبال گروهش است. وقتی از او می پرسم که عجله دارد یا نه، پاسخ می دهد که فقط نگران عقب افتادن از گروه و گم شدن است. گروه در مقابل مغازه توقف می کند و چند نفر وارد می شوند. در چند جمله ی کوتاه توضیح می دهم که دانشجو هستم و برای تهیه گزارش باید با گردشگران خارجی مصاحبه کنم. با وجود شک اولیه، او نسبتا سریع موافقت کرد و من هم شروع کردم به پرسیدن.

-گزارشگر: قبل از سفر به ایران چه چیزی درباره ی آن شنیده بودید، و بعد از دیدن آن نظر شما چگونه تغییر کرد؟
-خانم ج: قبل از سفر تحقیق کرده بودم و دقیقا می دانستم انتظار چه چیز را باید داشته باشم، و بعد از آمدن متوجه شدم ایران از آن چه تصور میکردم هم بهتر است. زیرا مردم رفتار بسیار دوستانه ای با ما دارند.

با احساس این که اگر بیش از این وقتش را بگیرم آزرده خاطرش کرده ام، سرعاً از او تشکر و خداحافظی میکنم. این بار مسیرم را به سمت کاخ گلستان ادامه می دهم، به امید آن که با گردشگران بیشتری روبرو شوم.

درست هم زمان با من، سه گردشگر که از چهره هایشان معلوم است اهل کشورهای شرق آسیا هستند، وارد اتاقک تهیه بلیت می شوند. فرصت را غنیمت شمرده و در حیاط کاخ سر صحبت را باز می کنم. این گروه تنها از دو خانم و یک آقای نسبتاً جوان تشکیل شده و به همین خاطر نگران گم کردن یک دیگر نیستند. از آن ها می پرسم که اهل کدام کشور هستند، و آن ها پاسخ می دهند که از چین می آیند. دوباره خودم را مختصر معرفی می کنم و هدفم را شرح می

بازار بزرگ تهران، با وجود قدمتی بیش از سه سده، هنوز هم در بین مراکز خرید تازه ساز و لوکس خوش می درخشد. چیزی نیست که در مغازه های آن یافت نشود، از پارچه های خوش نقش و نگار گرفته تا خشکبار اصیل ایرانی و جواهرات براق و تازه تراش خورده. تنوع اجناس آن قدر زیاد است که می توانی ساعت ها فقط قدم بزنی و ویتترین ها را تماشا کنی، بدون این که حوصله ات سر برود.

با این اوصاف، دیدن گردشگران خارجی در این منطقه

«ایران مردم مهمان نواز و مودبی دارد و شهرها بسیار زیبا هستند. پیش از آمدن به ایران شنیده بودم مردم آن خوش سیما هستند، و حالا که به ایران آمده ام می بینم که حقیقت دارد.»

چندان دور از ذهن نیست. سوغاتی های خوشمزه و خوش پرداخت ایران، بافت قدیمی اطراف بازار و مجموعه ی کاخ گلستان در نزدیکی آن، همه و همه جاذبه های گردشگری فوق العاده ای ایجاد می کنند.

بر خلاف تصور قبلی، بازار حتی در روزهای غیر تعطیل هم شلوغ است. با این حال، یک دسته توریست را به راحتی می توان بین جمعیت شناسایی کرد. یک دسته گردشگر که عموم آن را زوج های مسن تشکیل می دهند، از سبزه میدان وارد محوطه بازار می شوند و به سمت یک آجیل فروشی می روند. همین طور که به سمتشان می روم، با یکی از خانم ها تماس چشمی برقرار می کنم و او هم به نشانه خوشامد گویی لبخندی می زند و سر تکان می دهد. لبخندش را پاسخ می



دهم، و آن‌ها با روی خوش می‌پذیرند که به سوال‌هایم جواب بدهند.

-گزارشگر: قبل از سفر به ایران چه چیزی درباره‌ی آن شنیده بودید، و بعد از دیدن آن نظر شما چگونه تغییر کرد؟

-خانم ک: ایران مردم مهمان‌نواز و مودبی دارد و شهرها بسیار زیبا هستند. پیش از آمدن به ایران شنیده بودم مردم آن خوش‌سیما هستند، و حالا که به ایران آمده‌ام می‌بینم که حقیقت دارد.

از او تشکر می‌کنم و به سراغ دوستش می‌روم، باز هم با همان سوال که همیشه در ذهنم بوده.

-گزارشگر: قبل از سفر به ایران چه چیزی درباره‌ی آن شنیده بودید، و بعد از دیدن آن نظر شما چگونه تغییر کرد؟

-خانم ر: قبل از آمدن به ایران، شنیده بودم که خانم‌ها باید موهایشان را بپوشانند، و این برای من بسیار عجیب بود. اما وقتی به ایران آمدم و دیدم که همه حجاب دارند، این مسئله برایم عادی شد.

این بار نوبت آقای م می‌رسد، که در تمام این مدت مشغول عکس‌برداری از نمای شمس‌العماره بوده است.

-گزارشگر: قبل از سفر به ایران چه چیزی درباره‌ی آن شنیده بودید، و بعد از دیدن آن نظر شما چگونه تغییر کرد؟

-آقای م: من از سال‌ها پیش درباره‌ی ایران در روزنامه‌ی آمریکایی خوانده بودم. آن‌ها همیشه سعی دارند ایران را کشوری ناامن جلوه بدهند. اما من سخنرانی‌های مسئولان سیاسی ایران را دنبال می‌کردم و از آن‌جا مطمئن شدم که ایران نه ناامن است نه در خطر جنگ.

باز هم از گروه برای وقتی که در اختیارم گذاشتند تشکر می‌کنم و از آن‌ها جدا می‌شوم.

با وجود این که بار اولم نیست که در محوطه کاخ قدم می‌زنم، همیشه چیزی پیدا می‌شود که از من جذب کند. و من با تماشای

این مظهر شکوه و صلابت و نشانه‌ی تاریخ پر فراز و نشیب ایران، به این اندیشه فرو می‌روم که کشورم با وجود توانایی‌های

زیاد، هنوز چقدر در دنیا غریب است. کاش روزی برسد همه‌ی ما همت کنیم و دست در دست هم، زیبایی‌های سرزمینمان را

به دنیا بشناسانیم و آن‌را به جایگاهی که شایسته‌اش هست، برسانیم.

Industry and University: the Tale of Two Continents

By Najieh Abedinpour

This week's "roadmap seminar", held in Alzahra University, casts light into many gray areas of the dried up market of electrical engineering and the pertinent fields and convincingly managed to get right down to the bottom of this whole plight.

As Najieh Abedinpour reports:

The 10A.M opening of the meeting got passed the initial welcoming, slid smoothly over to the formal introductions and suddenly sprinted up to the graphs

manifesting a sharp rise in unemployment rate over the past few years in Iran, specifically in fundamental fields like electrical engineering or software engineering and largely among university alumnus. The whiplash of these shifts took pretty much every one aback and the same question crossed all our minds at the time: "What's the rationale behind all that?"

In basic terms, the driving forces behind the whole catastrophe roll down into one: the uneven



counterbalance between the quality of the acquired knowledge in the university and the required skills in the marketplace; while students are excessively involved through theoretical concepts, their knowledge is way inadequate to meet the requirements of the industry.

Meanwhile what adds fuel to the flames of this adversity are the university officials who once in a while, set out to establish a new abundance of disciplines with the

least ties to the industry requirements under the name of "literacy promotion" but with the intentions of profit making.

Here the message is clear: the fact that the two core organs are not working in tandem, indicates the nonexistence of a consistent interacting program between them and if this fissure between the two infrastructures is not bridged, we will be placed on the ragged-edge of a downfall which may take us to the point where we wall ourselves off the real world by our ostensible knowledge.

photos are adopted from: Nirasystem.com

Iran and Sustainable Tourism: Obstacles and Chances

By Zahra Kheradpishe

Sustainable tourism, as The United Nations World Tourism Organization defines it, is a kind of tourism that fulfills the needs of tourists, while making new opportunities for future of the host regions. It's defined by World Tourism Organization as an act that has the least impact on socio-cultural and environmental aspects of the host country, and protects the region for future. The matter is so important that it has become the United Nations slogan of the year 2017. The question is that how much Iran has moved towards this goal, as a developing country with so many potentials in tourism industry. Also, it is necessary to detect and then destroy the obstacles in the way of improvement.

As we all know, Iran is a vast country, with a total area of 1.648 million km². Coastal regions spread along its Northern and Southern lands. Plains are extended in the West and North. Great deserts take up 4/1 of its area. These geographical phenomena cause diverse climates, which in turn causes biological and ecological diversities. According to Nasser Moqaddasi, deputy head of Forests, as reported by iran-daily.com, over 1,400 vertebrate species live in Iran.

This diversity in climate also causes a vast variety of cultures and life-styles around the

country, bringing along a wide range of different handicrafts and souvenirs. Almost every city has its own customs and festivals. You may even feel you're visiting different countries going from one province to another.

With all this being said, we normally expect that Iran should host a lot of tourists. However, according to World Economic Forum's latest report, in this matter, Iran is ranked as 93rd place in the world, and as 8th in the Middle East. Although we have improved and have had jumps in score, it clearly is not enough. This can only mean one thing: there are serious obstacles keeping us from using the country's whole potential.

One of these obstacles is related to the Macroeconomic policies of the country. The economy of Iran relies heavily on Oil Industry, resulting in a lack of attention and investment on and into the smaller sources of income. The development of Sustainable Tourism requires some sort of reformation in the laws concerning the microeconomics.

The traditional societies in Iran, although of great attraction for the tourists, can also be one of the obstacles. People in these societies are relatively isolated, and are not open to accepting changes

and foreigners, with unfamiliar languages, ways of clothing, appearances, religions, and so on. These people should be informed that tourism is actually very beneficial for them. They should be taught the ways in which they can prevent the tourists from leaving bad influences on their vernacular culture. Although right now the promotion of sustainable tourism is not one of the priorities in Iran, we should learn, teach, and be concerned about the ways we can help our improving country to use all of its potentials. No matter what role we are playing in the society, we all need to take chances to make our country the beautiful and precious land that embraces people from all around the world warmly.

Sources:

- Hamedi M. / *OIDA International Journal of Sustainable Development* 42-35 (2010) 02:02
- <http://www.iran-daily.com/News/193346.html>
- <https://financialtribune.com/articles/people-travel/61930/irans-wef-tourism-ranking-improves>

An Overview of Platonic Love

by Kimia Entezami

«Be a lover and you will more probably attain this end human nature» (Plato)

The congenital love of beauty, truth and goodness is in the divine nature of each human being; however, we are not addressed as the lovers of beauty, unless we recognize the divinity of our souls and attempt to negotiate it with the three concepts of virtue, beauty and goodness (which are pleasurable to the psyche). A person who is in the pursuit of eternal beauty, first naturally takes the step of falling in love with the various beauties of earth until he

(in various parts of the text, in which the author is generally speaking about a non-specific human being, the pronoun «she» can be used as well as «he») will eventually reach the status of catching a glimpse of the essence of beauty. Reaching such status, first he will become capable of educating the naïve lovers and second, he will be awarded with the great responsibility of becoming an intermediate between the Divine and mortals, as he holds a greater spiritual contact with God than other human beings. «Plato's symposium», a description

of a banquet held to honor Agathon's victory at a dramatic festival in Athens, also deals with the ideal love and is presented through brief orations of a variety of characters. In the book, Plato, the author speaks in the name of Socrates, probably because he thought that his creeds were rooted in what Socrates had taught him earlier in life or simply for the reason of deferring his great teacher.

After emerging victorious from a dramatic festival held in Athens, Agathon arranges a symposium to which all the prominent figures of Athens are invited. After serving the supper, singing hymns to the gods, offering liberations and consenting to drink less (because of being still indulged in the last day's potations), Eryximachus proposes to have a converse in honoring the god of love. He claims that there are many poems and songs written in the honor of many gods and goddesses, while there are none written in the praise of the great and glorious god of love (Eros); Therefore, he suggests that at the present time they can do nothing better than honoring the god of love. After the conclusion of Eryximachus speeches in convincing the guests of speaking in the adulation of love, Phaedrus, Pausanias, Aristophanes, Agathon and Eryximachus himself, commence donating their adulations to Eros. They all accolade him with the most breathtaking features, for instance, Phaedrus describes him as the eldest, fairest and the giver of virtue after life and of happiness after death or Agathon adulates him for being the fairest, bravest,

wisest, the most tender and temperate of gods.

When it comes for Socrates to give his speech, he adroitly conceives them that they have mistaken the lover for beloved, which is truly fair, delicate, and perfect and blessed. Besides he mentions numerous precious points in «love», inclusive of the genesis of love and its duty, his procreation of wisdom and virtue and the steps which must be taken for beholding the ever-lasting Beloved.

Eros is born from a father named Poros (the god of expediency) and a mother named Penia or poverty. He is a natural lover of beauty (his love for «Psyche» was also probably because that she had a gleam of the eternal beauty within herself) and as he was born on the day of «Aphrodite's» birth, he is her follower and attendant. Eros is neither mortal nor immortal by nature, but alive and flourishing when he is in plenty of beauty and dead while he lacks it; however, he repeatedly becomes alive by the reason of his father's nature. Like his father, he is keen in the pursuit of wisdom and the hunt of beauty and like his mother, he is always in need (of beauty). In fact, he neither possesses the beauty perpetually nor lacks it completely. He is neither like humans nor God, in truth, he is an intermediate spirit between the Divine and mortals, a mediator who bridges the chasm which divides them. He takes the messages and sacrifices of men to God and the commands and replies of God to men, in turn; God mingles not with man but through love,

all the intercourses including converse of God with men, whether awake or asleep is carried on.

Procreation is a love of immortality in the nature of mortal human beings. When a person reaches the age of maturity, he becomes desirous of generating. The mating of the man and woman is also because the two desire to leave behind a new generation in place of the old. This passion makes the mortals, even the animals, to endure so much pain for the maintenance of the young. They are ready to battle against the strongest for the care of their offspring or they even let themselves to be tormented with hunger for the survival of the child. Unlike those who are specifically desirous of procreation in body form, there are some who are pregnant in their souls as well as their bodies. Their psyches are pregnant with the seeds of truth, beauty and goodness (these are the prophets, poets, writers, musicians and other great renowned spirits who have contributed many noble works to the world) and they attempt to implant these within the souls of people who are capable of growing them. Whenever they come to a fair, noble and well-nurtured soul, they bloom as a flower and desire to beget. To such they are full of speeches about virtue, the nature and pursuits of a good man. As

the time passes by, the seed of beauty and goodness keeps growing within his psyche until their spiritual sons of wisdom and virtue are born. These two are married by a far nearer tie and have a closer relationship than those who beget mortal children, for the children who are their common offspring are fairer and more immortal. The spiritual sons of

*Delia whose memory perpetuates in history,
is an epitome of a great soul to the Dehmeds.
Though thousands of years passed since
his death, he still flourishes wisdom and
virtue in the souls of his followers; in truth
he still remains one of the intermediate diviners
between the God and mortals, who is granted with
the responsibility of assisting human beings to tend
the wills of God-lovers. For all that, he*

such lovers will perpetually preserve the memory of them and give them the immortality which they desire for in the future. As we have observed, many temples have been raised in the glorification of parents of virtue for the sake of children such as theirs,

which were never raised in the respect of anyone for the sake of their mortal children.

The person who is in the pursuit of eternal beauty naturally takes the following steps until he will reach the eternal beauty. He will first be fascinated with things of beautiful outward form, an exquisite body for instance; then he will realize that those with breathtaking forms are all the same in beauty, so he will glorify them all. However, sooner or later with the help of a guider, he will apprehend that the beauty of the mind is greater than the beauty of body; therefore, if he meets a human being exquisite in soul but not in body, he will be content to love and tend him. Perceiving

these beauties, he will then behold the beauty of knowledge, until he will eventually encounter with the reality of beauty; a nature which in the first place is ever-lasting, not growing or decaying or waxing or waning; secondly, not foul in one point of view and foul in another, or at one time, in relation or at one place fair, at another time, in another relation or at another place not fair, as if fair to some and foul to others, or in the likeness of a face or hands or any other part of the bodily frame, or in any form of speech or knowledge, or existing in any another being, as for example, in an animal, in heaven, in earth or in any other place; but absolute, simple and everlasting beauty, which without diminution, increase or change, is imparted to the ever-growing and perishing beauties of all other things. Having beheld such a divine beauty (with the eye of the mind; such beauty is not comprehensible with the eye of the head), the lover will not be after the gold, garments, and fair boys and youths. Besides, the one who has observed the reality of beauty, not an image of it, is capable of nourishing others with virtues and beauties. In other words, he is the one who can implant and grow the sacred seeds of truth and goodness in the souls of those who have the potentiality of growing it.

Plato, whose memory perpetuates in history, is an epitome of a great lover to the Beloved. Though thousands of years passed since his death, he still procreates wisdom and virtue in the souls of his followers. He still remains one of the intermediate

demons between the God and mortals, who is granted with the responsibility of inviting human beings to tend the circle of God-lovers. For all that, he still stays as one of my great guiders in the path of love.

منابع:

symposium, plato-1

- ۲- دوره اثار افلاطون، نوشته ی افلاطون، ترجمه ی محمد حسن لطفی و رضا کاویانی
- ۳- ضیافت افلاطون، افلاطون، ترجمه ی محمد علی فروغی
- ۴- آشنایی با افلاطون، اثر پل استراترن، ترجمه ی مسعود علیا

Movie Review

By Roya Ainy and Marjan Alavi

Students of Ershad University of Damavand



INCEPTION

Roger Ebert: 4/4

IMDb: 8.8/10

Rotten Tomatoes: %86

Starring: Ellen Page, Joseph Gordon-Levitt, Ken Watanabe, Leonardo DiCaprio, Tom Hardy

Director: Christopher Nolan

Genre(s): Action, Sci-Fi, Drama, Mystery, Thriller

Rating: PG13-

Runtime: 148 min

Budget: 160\$ million

Box office: 825.5 million USD

Home Release Date: Dec 2010 ,7

Summary

Dom Cobb is a skilled thief, the absolute best in the dangerous art of extraction, stealing valuable secrets from deep within the subconscious during the dream state, when the mind is at its most vulnerable. Cobb's rare ability has made him a coveted player in this treacherous new world of corporate espionage, but it has also made him an international fugitive and cost him everything he has ever loved. Now Cobb is being offered a chance at redemption. One last job could give him his life back but only if he can accomplish the

impossible—inception. Instead of the perfect heist, Cobb and his team of specialists have to pull off the reverse: their task is not to steal an idea but to plant one. If they succeed, it could be the perfect crime. But no amount of careful planning or expertise can prepare the team for the dangerous enemy that seems to predict their every move. An enemy that only Cobb could have seen coming.

Critics review

New York Post, Lou Lumenick:

«Nolan blurs the distinction between dreams and

reality so artfully that Inception may well be a masterpiece.»

Boxoffice Magazine, Pete Hammond:

«In terms of sheer originality, ambition and achievement, Inception is the movie of the year and the movie of our dreams.»

Portland Oregonian, Shawn Levy:

«This is a deeply felt work of art in the form of a big, brassy movie-movie.»



زندگی کاب را به او بازگرداند، ولی این تنها در صورتی است که او بتواند به ناممکن‌ها در زمینه تلقین دست یابد. ولی اینبار کاب و اعضای متخصص گروهش باید به جای دزدی بی‌نقص ایده‌ها، ایده‌ای را در ضمیر ناخودآگاه یک فرد قرار دهند. اگر او در این امر موفق شود، این یک جرم تمام‌عیار محسوب می‌شود. ولی هیچ نقشه‌های از پیش طرح شده و تخصصی نمی‌تواند آن‌ها را برای مصاف با دشمنی که به نظر می‌رسد تمام حرکات آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند، در امان نگاه‌دارد. دشمنی که فقط کاب می‌تواند او را پیش‌بینی کند.

نظرهای منتقدان

لو لومینیک از روزنامه نیویورک تایمز:

«نولان (کارگردان فیلم) هنرمندانه مرز بین رویا و حقیقت را محو کرده است، به اندازه‌ای که «تلقین» به شاهکاری تبدیل شده است.»
پیت هامون از مجله باکس آفیس:

«در زمینه ابتکار محض، بلندپروازی و موفقیت، «تلقین» فیلم سال و فیلمی از رویاهای ماست.»

شان لیوای از پورتلند اورجین:

«این یک کار فوق‌العاده هنرمندانه است در غالب یک فیلم بزرگ و قوی.»

Source: <http://www.metacritic.com/movie/inception#expand>

تلقین

امتیاز منتقدان سایت راجر اِپرت: ۴/۴

امتیاز مردم در سایت آی‌ام‌دی‌بی: ۸.۸/۱۰

امتیاز منتقدان سایت روتن تومیتوز: ۸۶ درصد

بازیگران: الن پیج، جوزف گوردون لویت، کن واتانابه، لئوناردو دی کاپریو، تام هاردی

کارگردان: کریستوفر نولان

ژانرها: اکشن، علمی-تخیلی، درام، معمایی، مهیج

رده سنی: ۱۳+

مدت زمان فیلم: ۱۴۸ دقیقه

بودجه ساخت: ۱۶۰ میلیون دلار

فروش جهانی: ۸۲۵.۵ میلیون دلار

تاریخ اکران در آمریکا: ۷ دسامبر ۲۰۱۰

خلاصه داستان

دام کاب یک دزد حرفه‌ای است، بهترین در هنر خطرناک استخراج. او هنگامی که مغز در آسیب پذیرترین وضع خود در هنگام خواب قرار دارد، اطلاعات باارزش را از ضمیر ناخودآگاه افراد سرقت می‌کند. این توانایی نادر کاب، او را به بازیکنی مهم در دنیای جدید جاسوسی تبدیل کرده است ولی هم‌زمان موجب از دست دادن چیزهایی که دوستشان داشته شده است. هم‌اکنون کاب فرصتی برای رهایی از آن را یافته است. این کار آخر می‌تواند

Business@ the Speed of thought

By Mohaddeseh Cheragh-Ali

Student of Russian Language in Alzahra University

“As the boss of Microsoft, the world’s most successful software company, I played a large part in the birth of the information technology to satisfy people’s needs at work and at home...”

In this fascinating book Bill Gates offers the reader a better future. He explains how more and better information can mean more interesting jobs for workers, more knowledgeable customers, more interesting schools, and citizens who have a voice in the decisions their government makes. A “digital nervous system” can improve business. It is for everybody.

All the computers in the world today make up a living being. They have a “digital nervous system”. In this fascinating book, Bill Gates explains about business in the twenty-first century. Information is the new business tool, and it can travel at the speed of thought.

Bill Gates was born on October 28, 1955, in Seattle, where he grew up with his two sisters and where he still lives with his wife and children. His mother was a teacher and his father was an attorney. In 1973, he studied math at Harvard where he met Steve Ballmer, former president of Microsoft. He left Harvard after a year and started Microsoft in 1975 with Paul Allen. In late June 1999, the Microsoft Corporation had a total income of \$ 19.75 billion. It employs more than 32,000 people in sixty different countries. In 1995 Bill Gates wrote “The road ahead”, which was number one in the New York Times best-seller list for seven weeks and is also a Penguin Reader. “Business @ the Speed of thought” came out in 1999.

تجارت با سرعت اندیشه

«به عنوان رئیس مایکروسافت، موفق ترین شرکت جهانی نرم افزار، من نقش بسزایی در شکوفایی عصر اطلاعات ایفا کردم. در این کتاب من ایده ی یک سیستم عصبی دیجیتال را توضیح می دهم. استفاده از تکنولوژی اطلاعات نیاز های مردم در کار و خانه را ارضا می کند.»

در این کتاب جذاب، بیل گیتس به خواننده یک آینده ی بهتر را پیشنهاد می کند و توضیح می دهد که چگونه اطلاعات زیاد و بهتر می تواند دلالت بر کار های جالب برای کارمندان، اطلاعات بیشتر برای مشتریان، مدرسه های جذاب و شهروندانی که حقی در تصمیم گیری انتصاب دولت شان دارند، باشد. یک سیستم عصبی دیجیتالی می تواند تجارت را بهبود بخشد. اما این کتاب تنها برای تجار نیست. این کتاب برای همه است.

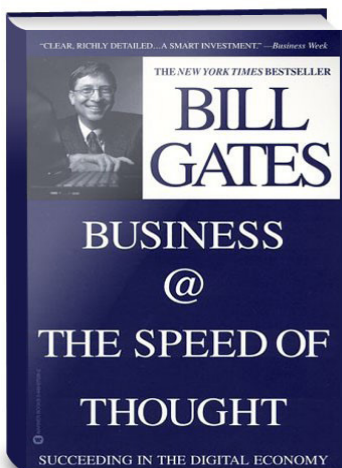
تمامی رایانه های جهان در نهایت معیشت انسان را می سازند. آنها داری سیستم عصبی دیجیتالی هستند. بیل گیتس در این کتاب جذاب تجارت در قرن ۲۱ را توضیح می دهد. اطلاعات، ابزار نوین تجارت است و می تواند از اندیشه پیشی گیرد.

بیل گیتس در ۲۸ اکتبر ۱۹۵۵ در سیاتل متولد شد. جایی که او با دو خواهرش بزرگ شد. جایی که هنوز با همسر و فرزندان خود زندگی می کند. مادرش معلم و پدرش وکیل دادگستری بود. در سال ۱۹۷۳ در دانشگاه هاروارد به تحصیل ریاضیات پرداخت، جایی که با استیو بالمر رئیس قبلی مایکروسافت ملاقات کرد. پس از یک سال هاروارد را ترک کرد. در سال ۱۹۷۵ با پل آلن مایکروسافت را افتتاح کرد. در اواخر ژوئن ۱۹۹۹ در آمد نهایی شرکت مایکروسافت ۱۹/۷۵ بیلیون دلار بود. این میزان بیشتر از ۳۲ هزار نفر در ۱۶ کشور مختلف را مشغول به کار می کرد.

در سال ۱۹۹۵ بیل گیتس کتاب «جاده ای رو به جلو» را نوشت که در لیست پر فروش ترین های نیویورک تایمز رتبه ی نخست برای ۷ هفته متوالی و هم چنین انتشارات پنگوئن ریدر بود.

در سال ۱۹۹۹ کتاب «تجارت با سرعت اندیشه» به چاپ رسید.

منبع: کتاب Business@the Speed of Thought



A Bitter Breakup at Five in the Morning

*At five a.m. detaching from the soft bed
I cry at departing from my kind pillow and warm blanket,
Pushing my puffy eyes to part from the lids
In the bed I try at carrying my heavy burden of body out of it,
I stick the lifeless warm corpse
To the whole shapeless mattress.
Invoking Hypnos to drive the sleep off me,
From the bottom of my sleepy heart I beg him beseechingly:
“Dear Hypnos, undo the spell of slumber on me,
For your mother’s sake, Nyx, night is gone now
And your father’s, the great Erebus,
The darkness’s run away from the sky; dark blue.
Bestow me the strength to leave my bed
Before the professor chastise my tardiness.”*

Maryam Siahmansouri



photo by Taraneh Siahmansouri

By Mohaddeseh Cheragh-Ali

Ingredients for Banbury Cakes

- (225 g) rough puff or flaky pastry
- (15 g) plain flour
- (50 g) butter
- (110 g) currants
- (25 g) candied peel
- (50 g) brown sugar (original recipes used honey)
- 1 teaspoon of lemon juice
- 1 pinch of grated nutmeg or ground cinnamon (as preferred)
- Milk and castor sugar for glazing

How to Make

Make the filling by melting the butter in a pan and stir the flour and spices in the melted butter.

Remove it from heat and add the currants, peel, sugar and lemon juice, then mix them well.

Cut pastry into ovals (5in long, 3in wide, and 4/1in thick).

Place a dollop of filling onto one of the ovals, dampen the edges, and then place another oval on top and seal the sides.

Make the rest of the cakes, then use a sharp knife to score three slits on top of each.

Brush the tops with milk and sprinkle castor sugar.

Place them on a greased baking tray and bake at °475F (°240C) for 15 to 20 minutes, until they turn golden brown.

مواد لازم برای کیک بنبری

- ۲۲۵ گرم خمیر ورزیده یا خمیر ورقه ای
- ۱۵ گرم آرد الک شده
- ۵۰ گرم کره
- ۱۱۰ گرم کشمش
- ۲۰ گرم خلال قندی
- ۵۰ گرم شکر قهوه ای (در دستور اصلی از عسل استفاده شده)

اق.غ. آبلیمو
- مقدار اندکی جوز هندی یا دارچین (هر جور مایلید)
- شیر و شکر دانه ریز برای تزیین

دستور پخت

محتویات را با آب کردن کره در ماهیتابه آماده کنید. آرد و ادویه را در آن تفت دهید. از روی حرارت بردارید و کشمش و خلال قندی و شکر و آبلیمو را به آن اضافه کنید و با هم خوب مخلوط کنید. ورقه های خمیری را به شکل بیضی برش دهید (۵ اینچ طول، ۳ اینچ عرض و ۱/۴ اینچ ضخامت) مقداری از مواد را روی یکی از بیضی ها ریخته و لبه های آن را جمع کنید. سپس یک خمیر بیضی دیگر روی آن قرار دهید و اطراف آن را بپوشانید. بقیه ی کیک ها را نیز آماده کنید سپس به وسیله ی یک چاقوی تیز روی هر کدام از آنها، ۳ شکاف ایجاد کنید. با قلمو روی آنها را شیر بمالید و شکر پاشید. آنها را روی سینی چرب شده بچینید و به مدت ۱۵ - ۲۰ دقیقه در دمای ۴۷۵ درجه فارنهایت (۲۴۰ درجه سانتی گراد) بپزید تا قهوه ای شوند.

panebuttoriano.blogspot.com

source: <http://www.travelaboutbritain.com>